روزنه

نرگس کلباسی:

دوست دارم بعد از آزادی به ایران بروم

● «نرگس کلباسی»، بانوی نیکوکار ایرانی که متهم به قتل غیرعمد یک کودک - کودکی که در جریان یک سفر علمی در رودخانه غرق شد- در هندوستان است، در گفت‌وگو با آزاده تهرانی، خبرنگار ایسنا، وضعیت این روزهای خود را شرح داده است.

از زمان رسانه‌ای‌شدن پرونده شما افراد بسیاری از مردم عادی تا سیاست‌مداران و هنرمندان حمایت خود را به طرق مختلف از جمله ساختن هشتگ، تجمع، راه‌اندازی کانال و صفحات مختلف در فضای مجازی نشان داده‌اند. آیا پس از اتمام پرونده‌تان باز هم با حامیان خود در ارتباط خواهید ماند؟

در چند ماه گذشته افراد زیادی حمایت‌شان از من را اعلام کردند که از آنها سپاسگزارم و امیدوارم روزی بتوانم به‌صورت حضوری از آنها قدردانی کنم. می‌دانم که بسیاری از این افراد زندگی پرمشغله‌ای دارند و درک می‌کنم اگر همیشه نتوانند حمایت‌شان از من را نشان بدهند. اقدام آنها خیلی پرمعناست و همیشه به خاطر خواهم داشت که برایم چه کاری انجام دادند.

وقتی پرونده شما بسته شود، چه خواهید کرد و آیا برنامه‌ای برای سفر به ایران دارید؟ چقدر با ایران آشنا هستید؟

اولین جایی که من دوست دارم بعد از آزادی بروم ایران است، آخرین‌بار وقتی ۱۶ سالم بود، چند سالی را با پدرم در ایران زندگی کردم. در آن زمان بیشتر در شهر زادگاهم اصفهان بودیم و واقعا مناطق دیگری از ایران را ندیدم، امیدوارم در سفر بعدی‌ام بتوانم تمام مناطق زیبای ایران را با قلب و فکری آزاد ببینم و به امید آن روز هستم. دوست دارم وقتی همه این مسائل تمام شد، چندهفته‌ای را صرف بازیابی انرژی ازدست‌رفته‌ام کنم، واقعا دوست دارم اثرات به‌جامانده از اتفاقات چند سال گذشته در درونم را از بین ببرم، زیرا اگر در درجه اول مراقب خودم نباشم، قطعا نمی‌توانم از دیگران مراقبت کنم و به‌همین‌دلیل احتمالا اولین قدم باید اختصاص‌دادن زمانی برای بازیابی خودم باشد.

باتوجه به اینکه دوتابعیتی هستید، چه برداشتی از رویکردهای متفاوت ایران و بریتانیا در قبال پرونده‌تان دارید؟ آیا باور دارید که وزارت امور خارجه بریتانیا از شما پشتیبانی نمی‌کند؟

قطعا! دراین‌باره نمی‌توانید این دو کشور را با هم مقایسه کنید، درباره پرونده من ایران و بریتانیا در دو جایگاه متفاوت قرار گرفته‌اند. ایران از اولین روزی که در جریان مشکلم قرار گرفت، نه‌فقط از طریق پیگیری‌های کنسولی، بلکه از طریق حمایت‌های بشردوستانه و خیرخواهانه در کنار من بود.

من حس می‌کنم کاری که آنها برایم انجام دادند بسیار فراتر از وظایف‌شان بود و دیدم را نسبت به کشور زادگاهم تغییر داد و من فهمیدم چقدر به ایران افتخار می‌کنم. این در حالی است که انگلیس اعلام کرد نمی‌تواند با سیستم قضائی هند روبه‌رو شود و کاری کردند که من احساس کنم غیربریتانیایی هستم. من فکر می‌کنم به اندازه کافی برایشان مهم یا سودمند نبوده‌ام تا از من حمایت کنند.

در سفری که وزیر امور خارجه ایران به هند داشت با وی ملاقات کردید، این دیدار چطور بود؟

دکتر ظریف بسیار با من مهربان بود و با وجود اینکه برنامه بسیار فشرده‌ای داشت، برایم زمان گذاشت و به من اطمینان داد که او و مردم ایران تا آخر از من حمایت خواهند کرد. در لحظات بسیار سخت او به من امید داد و باعث شد واقعا احساس کنم که به من افتخار می‌کند. احترام زیادی برایشان قائل هستم و از تمام حمایت‌های آقای ظریف سپاسگزارم.

رفتار انتخاباتی مردم ایران

● کتاب تحقیقی «رفتار انتخاباتی مردم ایران»، تألیف محسن شریف‌زاده منتشر شد. این کتاب درباره آمارهای انتخاباتی است و حاصل تحقیقاتی ۲۰ساله در این مورد است که گاهی در مطبوعات کشور نیز منتشر شده است؛ تحقیقاتی که بر مبنای محاسبات ریاضی، آمارهای انتخاباتی را تجزیه و تحلیل کرده است. نویسنده تلاش کرده با تبدیل رفتارها و احساسات مردمی به عدد و رقم، مسیر دیگری در تحلیل‌های اجتماعی باز کند. محسن شریف‌زاده در مقدمه کتاب نوشته است: «شاه‌بیت تمامی این تحلیل‌ها جمله‌ای رایج در مطبوعات و سخنرانی‌ها بود. گفته می‌شد: «مردم غیرقابل‌پیش‌بینی هستند». این جمله، ظاهری ساده، ولی باطنی عمیق دارد. این جمله در واقع، نظریه‌ای اساسی است که منجر به تحلیل خاص نسبت به مردم می‌شود. مردم در قالب این نظریه، موجوداتی ناهنجار و غیرعادی هستند. از دل این نظریه، رفتارهایی خاص مانند استفاده از تحکم یا فریب مردم، توجیه می‌شود. رفتارهایی که شاید مطلوب بسیاری از مبلغان این نظریه نباشد». این کتاب را «شرکت سهامی انتشار» به قیمت ۹هزارو ۵۰۰ تومان منتشر کرده است.

بررسی مخاطرات پیش روی اصلاحات در گفت‌وگو با «عبدالله نوری»

معیشت مقدم بر آزادی

ادامه از صفحه ۶

نکته‌ای را که لازم به ذکر می‌دانم، این است: اینکه جناب آقای روحانی کاندیدای جریان اصلاحات باشد، دلیلی بر این نیست که رأی تضمین‌شده وجود دارد. آقای روحانی و حلقه مشورتی و برنامه‌ریزی ایشان، باید پاسخ‌گوی منتقدان باشند و به نظرات آنها توجه جدی داشته باشند. به‌هرحال، برخی از کارشناسان خبره و تیم‌های اقتصادی و اجرائی نسبت به توان و کارایی نیروهای ستادی و حلقه مشورتی رئیس‌جمهور انتقاد دارند و توقع این بوده و هست که در پاسخ به این انتقادات، سخنان و دلایلی متقن و منطقی بیان شود و نیروهایی که در کارهای ستادی و برنامه‌ریزی ضعیف هستند، از دولت کنار گذاشته شوند. کار دولت و مسئولیت اجرائی و اقتصادی، ایجاب می‌کند برخی از تعارفات و رودربایستی‌ها کنار گذاشته شود. در واقع باید گفت این مسائل برای کسی که می‌خواهد رأی بدهد، خیلی مهم است؛ بنابراین رئیس‌جمهور باید برای سؤالات مقدری که در اذهان مردم از عملکرد او و تیمش هست، پاسخی مناسب داشته باشد.

مردمی که با علاقه وارد انتخابات ۹۲ شدند، چنانچه تغییرات ملموسی احساس نکرده باشند یا فعالیت‌های دولت به‌خوبی برای آنها تبیین نشده باشد و از همه مهم‌تر علل ایجاد این حجم از مشکلات و فساد برای مردم بیان نشود، احتمال دارد دچار سرخوردگی شده و چنین شرایطی می‌تواند بر نتیجه انتخابات ۹۶ تأثیرگذار باشد.

شما در پاسخ به سؤال قبلی گفتید آنچه که باید بیشتر به آن پرداخت، همان جهات سلبی است نه اثباتی. این وجه سلبی، تا یک جایی جواب می‌دهد و به نظرم اثر خودش را گذاشته است...

آقای روحانی باید ملموس‌تر از گذشته به برجام بپردازد. این موضوع به‌خوبی برای مردم تبیین نشده است. باید برای مردم توضیح داد چگونه ایران در حال رفتن به شرایط زیر صفر و مواجه‌شدن با انواع تهدیدات امنیتی و غیرامنیتی بود و همین‌که آقای روحانی شرایط را به صفر و بالاتر برساند و سایه تهدیدات امنیتی را از کشور برطرف کرد، خود نوعی پیشرفت است.

تغییرات جهانی و منطقه‌ای هم می‌طلبد که انسانی معتدل و به دور از هرگونه افراط در رأس قوه مجریه قرار گیرد که روش تعامل با جهان و منطقه را به‌خوبی درک کند و بدون تحریک دیگران، درصدد تأمین منافع ملی باشد. ما باید در بدترین حالت فرض را بر این بگذاریم که افراد غیرمتعادلی در دنیا حاکم و با رفتار تحریک‌آمیز خود به‌دنبال ماجراجویی باشند. اگر آدم عاقل در بیابان با یک حیوان درنده مواجه شد، نباید رفتار تحریک‌آمیزی انجام دهد که آن حیوان او را بدرد. مهم این است که بتواند خود را با عقل و تدبیر از دست این حیوان درنده نجات دهد. در شرایطی که ایران عزیز با بحران‌های گوناگون داخلی و تهدیدهای متنوع جهانی و منطقه‌ای مواجه است، باید فردی برای ریاست‌جمهوری انتخاب شود که با عقل و تدبیر اجازه ندهد برای کشور اتفاقی رخ دهد؛ یعنی برای ریاست‌جمهوری آینده، باید ایران و منافع ایران و حل مشکلات داخلی و برون‌رفت از تهدیدهای خارجی مسئله اصلی باشد، به نظر من مهم‌ترین مسئله‌ای که آقای روحانی باید به آن بپردازد، ادامه‌دادن مسیر برجام است. به‌لحاظ مسائل داخلی هم باید خیلی شفاف‌تر، راحت‌تر و ساده‌تر با مردم حرف بزند و صادقانه بگوید مشکل کجاست و چرا کارها آن‌گونه که انتظار مردم است، پیش نمی‌رود؛ یعنی طوری با مردم درد دل کند و سخن بگوید که مردم کاملا درک کنند کشور در چه شرایطی قرار دارد. مردم هم بارها نشان داده‌اند که سخن صادقانه را می‌پذیرند و صداقت و درستکاری از هر چیزی برای آنها مهم‌تر است.

هم‌زمان با روی‌کارآمدن دولت جدید در آمریکا، راست افراطی هم در اروپا در حال قدرت‌گرفتن است، منطقه هم در آشوب به سر می‌برد؛ به نظر شما با چنین وضعیتی، باید چگونه عمل کرد؟

وضعیت همچنان که اشاره شد، بسیار دشوار است و برای درک بهتر آن به‌ویژه با توجه به مواضع هماهنگ اخیر رهبران ترکیه و عربستان و همچنین سخنان سردمداران رژیم صهیونیستی درباره دوستی با ملت ایران، می‌توان این پرسش را طرح کرد: اینکه نخست‌وزیر رژیم نژادپرست و غیرمشروع اسرائیل به خود اجازه می‌دهد با مردم ایران سخن بگوید! به چه معناست؟

نتانیاهو در شرایطی نیست که کمترین صلاحیتی برای موعظه درباره آزادی و رستگاری دیگر ملت‌ها داشته باشد؛ زیرا کارنامه سیاسی او و اسلافش در اشغال سرزمین‌های فلسطینی و اصرار بر ادامه غصب زمین‌های فلسطینیان که زندگی میلیون‌ها فلسطینی را به جهنم تبدیل کرده است، او را در شمار نیروهای مخرب و ویرانگر سیاسی و عملا تهدیدی برای صلح و ثبات خاورمیانه درآورده و عملکردش نوعی نفرت جهانی را علیه او پدید آورده است. با این وصف چگونه می‌تواند مردم ایران را مخاطب قرار دهد و بگوید من با ملت ایران مشکلی ندارم و هدف من حکومت این کشور است؟! چه اتفاقی رخ داده که او می‌تواند ادعا کند می‌خواهد دست دوستی به مردم ایران بدهد! چرا؟

در ماه‌های اخیر لزوم حل‌وفصل مسئله فلسطین در دستور کار جامعه جهانی قرار گرفت، به‌ویژه پس از قطع‌نامه ۲۳۳۴ شورای امنیت سازمان ملل و نیز کنفرانس پاریس که در جریان آن ۷۰ کشور جهان بر راه‌حل دو کشوری براساس قطع‌نامه ۲۳۳۴ شورای امنیت تأکید کردند، نتانیاهو را سخت بیمناک کرده و آن را مغایر سیاست پیچیده و تدریجی خود برای گسترش آرام و بی‌سروصدای شهرک‌های یهودی‌نشین می‌داند.

نتانیاهو مصمم است با بزرگ‌نمایی خطر ایران برای اعراب محافظه‌کار منطقه و دولت‌های غربی، به برنامه خود برای توسعه شهرک‌ها ادامه دهد و از فشار جهانی برای حل سریع منازعه فلسطین شانه خالی کند.

نتانیاهو تهدیدی به نام ایران را وسیله بسیار مناسبی برای جلب نظر کشورهای عرب محافظه‌کار در خاورمیانه به‌ویژه عربستان سعودی به سمت اسرائیل می‌بیند و بر این تصور است که سعودی‌ها، خطر ایران را مهم‌تر از مناقشه فلسطین می‌دانند و حاضرند برای خنثی‌کردن این تهدید، روابط خود را به‌تدریج با اسرائیل عادی کنند؛ بدون آنکه پیش‌شرط همیشگی آنها برای حل مسئله فلسطین محقق شود.

سیاست‌مداران ترکیه که به لحاظ داخلی مشکلات عدیده دارند و هیچ‌یک از معضلات داخلی این کشور، ارتباطی به مبحث شیعه و سنی ندارد و اتفاقا عمده بحران‌های داخلی ترکیه در میان حکومت و گروه‌هایی است که با هم به لحاظ مذهبی گرایش مشترک دارند، یکباره مشکل منطقه را همگام با عربستان و اسرائیل، مشکلات طایفه‌ای و مذهبی که از ناحیه ایران تحریک می‌شود، اعلام می‌کنند!

عربستان با ملتی مقاوم به نام یمن روبه‌رو شده است که پس از دو سال در مقابل انواع سلاح‌های مدرن و فوق‌مدرن آنها، بنای مقاومت دارد و باید برای شکست خود دلیلی دست‌وپا کند و درحالی‌که خود در حال تجاوز و نسل‌کشی در کشور یمن است، ایران را به بازگشت به داخل مرزهای خود توصیه می‌کند. این در شرایطی است که چنانچه مواضع ایران با عربستان همخوانی داشت، نه‌تنها با فعالیت ایران در منطقه مخالفت نمی‌کرد که از ایران برای سرکوب ملت مظلوم یمن دعوت می‌کرد و در آن شرایط دیگر لازم نبود ایران به داخل مرزهای خود برگردد! از طرفی تازه‌کاران کاخ سفید آمریکا هم با هماهنگی رژیم صهیونیستی، تندترین مواضع علیه ایران را دارند و چه بسا برای به‌حاشیه‌راندن برخی اتفاقات درون کشور خودشان، خیال‌پردازی‌های جنون‌آمیزی در سر داشته باشند. مجموعه‌ای از کشورها که در قبال سیاست‌های منطقه‌ای یا داخلی خود دچار بحران هستند، برای برون‌رفت از این وضعیت به دنبال دشمنی می‌گردند که با سیل‌کردن آن، خود را از بحران‌های متنوع داخلی و برون‌مرزی نجات دهند و چه بسا در یک ساخت‌وپاخت برای ایران خطرآفرین شوند.

در چنین شرایطی برای شکست برنامه‌های رژیم صهیونیستی رفتار ما باید به گونه‌ای باشد که همچنان جنایات رژیم صهیونیستی مورد توجه جهانیان و در صدر اخبار جهان باشد و کشورمان در مرکز تهدیدات جهانی و منطقه‌ای قرار نگیرد.

ما نباید اجازه دهیم رژیم صهیونیستی با یارگیری کشورهای منطقه جایگاه امنی پیدا کند و در عوض از یک سو منافع ملی ما در معرض خطر قرار گیرد و از سوی دیگر موضوع حقوق ملت مظلوم فلسطین به فراموشی سپرده شود.

هنر و موفقیت ما در عرصه سیاست خارجی در این است که از هرگونه اقدامی که به همکاری دولت‌های منطقه با اسرائیل بینجامد، جلوگیری کنیم و با نزدیک‌شدن به کشورهای منطقه خطرات بنیادین رژیم صهیونیستی را به آنها متذکر شویم و ائتلافی از کشورهای منطقه ضد اسرائیل شکل دهیم و چنانچه درگیری‌های منطقه‌ای، کشورهای اسلامی را در تقابل با ایران و تعامل با رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد، در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنیم.

اینها برخی از موضوعاتی هستند که باید در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران و اینکه چه کسی و چه جریان فکری‌ای قدرت را در قوه مجریه به دست گیرد، مورد توجه مردم باشد.

جریان اصلاحات بعد از آقای هاشمی چگونه سیاست‌ورزی خواهد کرد؟ آیا قائل به این هستید که هاشمی نقش موازنه‌گر را در سال‌های گذشته ایفا می‌کرد و حالا با ازدست‌رفتن او، آیا شرایط تغییر خواهد کرد؟

در اینکه آقای هاشمی نقشی ویژه داشته‌اند، تردیدی وجود ندارد؛ ولی اینکه فضای سیاسی کشور در جهت افراط یا تعدیل می‌رود، برای من مشخص نیست؛ چون هر دو صورت ماجرا قابل تحلیل است. گاهی عملکرد آقای هاشمی به گونه‌ای بود که برداشت جریان مخالف ایشان این بود که باید با او برخورد تندی انجام دهد؛ بنابراین ممکن است وقتی او حضور نداشته باشد، این برخورد تند تا حدودی تعدیل شود. از طرف دیگر، ممکن است برخی به این فکر کنند که حضور آقای هاشمی مانعی برای اتخاذ برخی مواضع رادیکالی بود و حالا که نیست، می‌توان مواضع به نسبت تندتر از قبل هم اتخاذ کرد. من نمی‌توانم بگویم رفتن آقای هاشمی چه تأثیری بر موضع‌گیری آن طرف دارد، آیا به سمت اعتدال بیشتر یا افراط بیشتر می‌روند؟ نمی‌دانم، باید در عمل دید که چگونه می‌شود.

به نظر شما آن بزرگداشتی که از طریق جریان اصولگرا صورت گرفت، می‌تواند ملاکی برای تغییر رفتار باشد؟

خیر، ملاک نیست. آقای هاشمی شخصیتی داشت که با اکثر جریانات سیاسی در ارتباط و گفت‌وگو بود. سرمایه بزرگی بود که همه سخنان هر دو جناح را با دقت گوش می‌کرد. هاشمی به تمام معنا دلسوز بود و احساس می‌کرد نسبت به مسئولیتی که دارد، کامل‌ترین کار را انجام دهد. با صراحت می‌گفت نظرم این است که مناسب‌ترین فرد برای رهبری کشور، آیت‌الله خامنه‌ای هستند و اگر نقدی هم داشته باشم، بیان می‌کنم. من نمی‌توانم نظر خود را بیان نکنم.

بعد از جریانات و حوادث سال ۸۸ و آن نمازجمعه که ایشان خواند، واقعا هر فردی احساس می‌کرد که هاشمی به هرآنچه اعتقاد دارد، آن را از سر دلسوزی بیان می‌کند و تا آخر هم این را ادامه داد. بله، ما فردی را از دست دادیم که بیشترین ارتباط را با همه اقشار و مسئولان داشت و این یک ضایعه است و ضایعه بزرگی هم به شمار می‌رود.

این خلأ چه تأثیری بر سیاست‌ورزی جریان اصلاح‌طلب می‌گذارد و چشم‌انداز فعالیت اصلاح‌طلبان را در سال ۹۶ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من قائل به این نیستم که نبود ایشان رابطه اصلاح‌طلبان را با حاکمیت قطع می‌کند. ممکن بود همه یا برخی از اصلاح‌طلبان با ایشان گفت‌وگوهایی داشته باشند، ولی ایشان رابط کسی نبود. امکان داشت ایشان یک جمع‌بندی درباره برخی مسائل داشته باشد و بخواهد آنها را با مقام رهبری در میان بگذارد، ولی اینکه بگوییم ایشان رابط بودند که فلان مطلب را از طرف اصلاح‌طلبان بیان کنند، ظاهرا چنین چیزی وجود نداشت. ایشان در اکثر دوره‌ها، یک عنصر معتدل بود. در این روزها در میان بعضی صحبت‌هایی که درباره آقای هاشمی می‌شود، گاهی جفا صورت می‌گیرد. یعنی برخی از افرادی که انتقاد می‌کنند فقط یک سمت قضیه را می‌بینند. البته ما اگر بخواهیم هر شخصیتی از نظام در تاریخ بماند، باید به صورت جدی، تحلیلی و انتقادی آن را بررسی کنیم. هیچ اشکالی هم ندارد که آقای هاشمی باشد، آیت‌الله منتظری باشد یا حتی حضرت امام خمینی. برای مثال در بین طلبه‌ها هر کتابی که بیشتر بر آن حاشیه نوشته شده و مورد نقد قرار گرفته، زنده مانده است. اگر بگوییم چیزی به غیر از مقدسات دینی اشکال‌ناپذیر است، به مرور زمان به فراموشی سپرده می‌شود.

پس چرا می‌گویید در نقدهایی که به آقای هاشمی کردند، جفا شد؟

نظر من این نیست که نقد نکنند، انتقاد داشته باشند، ولی آنها یک روی سکه را دیدند.

بحث ارتباط اصلاح‌طلبان با مقام معظم رهبری مدتی است که خیلی جدی مطرح و گفته می‌شود که باید به آن پرداخته شود. نظر شما چیست؟

من موافق این موضوع هستم و به نظرم برای تعمیق و گسترش وحدت و همبستگی ملی، بسیار اتفاق خوبی است. ما که طرفدار تعامل و گفت‌وگو با دنیا هستیم، در داخل چه مشکلی وجود دارد که اهل تعامل و گفت‌وگو نباشیم. گاهی اوقات حدس زده می‌شود که افراد و گروه‌های قلیلی وجود دارند که مطلوبشان این است که نظرات اصلاح‌طلبان به رهبری منتقل نشود یا تحریف‌شده و مجعول منتقل شود این در حالی است که مجموعه جریانات اصلاح‌طلب اعتقادشان به اسلام و ایران و قانون اساسی چنانچه بیش از آنها نباشد، کمتر نیست.

چه اشکال دارد برای تقویت منافع ملی و کاهش اختلافات با سعه‌صدر، از گذشته عبور و اتاق فکری در ابعاد ملی تشکیل شود که در آن افراد مختلف با گرایش‌ها و سلایق گوناگون حضور داشته باشند تا به مدیریت کلان کشور در حوزه‌های مختلف برای عبور از مشکلات احتمالی داخلی و تهدیدهای احتمالی خارجی کمک کنند تا امور کشور با کمترین خطر و هزینه و با بیشترین دقت انجام شود؟

وقتی جریانی کنار گذاشته می‌شود، چه‌بسا آن جریان، حتی به لحاظ کمک فکری، یک فرصت بزرگ برای حکومت در مقابل تهدیدات خارجی یا مسائل داخلی باشد و حکومت خود را از این ظرفیت محروم می‌کند. اینکه گفته شود اصلاح‌طلبان، اصولا مانعی برای ارتباط با رهبری ندارند، یک نقطه مثبت است. اصلاح‌طلبان اهل تعامل هستند، مبارزه‌جو و خشونت‌طلب نیستند و نمی‌خواهند برای منافع ملی چالش ایجاد کنند و قطعا همفکری و گفت‌وگو با آنها در موضوعات مختلف برای تقویت و انسجام ملی مفید است و نظام در جریان آرا و نظرات اصلاح‌طلبان در حوزه‌های گوناگون قرار می‌گیرد و چنانچه نظرات آنان را به صلاح کشور دانست، از آن استفاده خواهد کرد.

نکته

می‌توان گفت سرسخت‌ترین رقیب انتخاباتی هر کاندیدایی، عملکرد خود اوست. اینکه رئیس‌جمهور تا چه حدی خودش را با مسائل درگیر کرده و در جریان عینی و ملموس امور بوده است

خبر

«احمد منتظری» آزاد شد

● **میزان:** یک مقام مسئول در دادسرای ویژه روحانیت قم با اشاره به آزادی «احمد منتظری» که به‌تازگی برای اجرای محکومیت خود به زندان معرفی شده بود، عنوان کرد: متعاقب رسیدگی به اتهامات آقای احمد منتظری دائر بر اقدام علیه امنیت ملی، تضعیف مبانی نظام اسلامی و امام راحل (ره) و حمایت از منافقین کوردل و تروریست و محکومیت وی به تحمل شش سال حبس در دادگاه بدوی و قطعیت آن در دادگاه تجدید نظر، نام‌برده با مراجعه و توسل به یکی از مراجع عظام تقلید و دادن تعهد به ایشان، خواستار وساطت نزد رهبر معظم انقلاب مد ظله العالی شدند. سرانجام در راستای احترام و اجابت خواسته مرجعیت، مقام معظم رهبری با تعلیق اجرای حکم با شرط تعهد ایشان نزد مرجعیت مبنی بر عدم اقدام علیه امنیت ملی موافقت فرمودند که مراتب موافقت پس از اجرای حکم و معرفی محکوم‌علیه به زندان، از سوی دفتر معظم‌له و جهت پیگیری به دادسرای ویژه روحانیت ابلاغ شد که در نهایت محکوم‌علیه مجددا با دادن تعهد کتبی مبنی بر پرهیز از تکرار جرائم ارتکابی، فعلا از زندان آزاد شده است.

این مقام مسئول در ادامه افزود: محکوم‌علیه احمد منتظری در یکی از بندهای تعهد خود کتبا متعهد شده است که «همه مسئولیت اعمال و رفتار بیت آیت‌الله منتظری را عهده‌دار بوده و از هرگونه اقدامی که علیه نظام تلقی می‌شود نسبت به اعضای خانواده و اطرافیان به‌طور جدی جلوگیری نمایم و در صورت عدم رعایت مراتب فوق و نقض تعهد، آمادگی هرگونه برخورد قانونی را دارم».

او در پایان ضمن تأکید بر مشروط‌بودن موافقت صورت‌گرفته یادآور شد: در صورت نقض تعهدات محکوم‌علیه نزد مقام مرجعیت و این دادسرا، ضمن اجرای حکم صادره، به اتهامات ارتکابی جدید نیز رسیدگی خواهد شد.